بن‌بست غرب‌گرایی: سوم

در سال‌های اخیر، با این تصور که می‌توان با آمریکا نشست و به نتیجه‌ی مطلوب رسید و مشکل کشور یعنی تحریم‌ها را حل کرد، بر سر میز مذاکرات حاضر شدیم. مذاکرات گرچه با نگارش متنی موسوم به "برجام" به انتها رسید، اما نه تنها مشکل تحریم‌ها حل نشد، بلکه تحریم‌های جدیدی هم مشمول ایران شد. تجربه‌ی برجام بار دیگر نشان داد که با نسخه‌های وارداتی، نمی‌توان مشکل کشور را حل کرد و بنابراین «گره زدن حلّ مسائل کشور به برجام و امثال برجام یا به مسائل خارجی، یک خطای بزرگی است. ما نبایستی مسائل کشور را، مسائل اقتصادی کشور و مسائل گوناگون کشور را گره بزنیم به امری که از اختیار ما خارج است، در بیرون کشور تدبیر می‌شود و تصمیم‌گیری می‌شود... نمی‌توانیم ظرفیت کشور را معطّل توافق برجام بگذاریم؛ مدّتی معطّل اجرای برجام، مدّتی معطّل خروج و عدم خروج از برجام؛ آن هم در مقابل دشمنی مثل آمریکا.»(۱۳۹۷/۰۳/۰۲) امروز بیش از هر زمان دیگری، می‌توان "بن‌بست تفکر غربگرایی" و نسخه‌هایی که به تبع آن برای کشور پیچیده شده است را ملاحظه کرد. این وضع باید تغییر کند، با رجوع به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی.





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 79/ شنبه 23تیر ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**راهبرد کدام است؟**

****

 بر همگان روشن است که امروز کشور در یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. بیانات مکرر رهبر معظم انقلاب از جمله در دیدار کارگران و کارآفرینان که تصریح کردند: «امروز اتاق جنگ علیه ما، وزارت خزانه‌داری آمریکاست» و همچنین گزاره‌های مستند و متقن از طرح‌های راهبردی ایالات متحده، بر این ادعا صحه می‌گذارد. به وضوح مشخص است این شرایط نابسامان فعلی اقتصاد، نتیجه تشتت آرای افرادی با گرایش‌های اقتصادی مختلف و متمایل به مکاتب اقتصادی متنوع در مراکز تصمیم‌گیری متعدد است. اقتصاد دولتی یا بازار؟ ارز تک‌نرخی یا دونرخی؟ نرخ بهره بالا یا پایین؟ سیاست‌های انبساطی یا انقباضی؟ افزایش هزینه‌های دولت برای تحریک تقاضای کل یا کاهش هزینه‌ها؟ رونق و تورم یا مالیات و رکود؟ برای هیچ‌یک از پرسش‌های فوق در طول 5 سال گذشته پاسخ واحدی از تیم اقتصادی مخابره نشده است. تیم اقتصادی دولت و این شرایط نابسامان اقتصادی بخوبی یادآور همان گفتمان توسعه دهه 70 و تجربه‌‌های تلخ سیاست‌های نئولیبرال تعدیل ساختاری و اقتصاد بازار دولت‌های پنجم و ششم مرحوم هاشمی است. سیاست‌هایی که گزاره‌های کلیدی و راهبردی و پیشران آن به وضوح بر خلاف گزاره‌های دینی است و بر محوریت طمع، فردگرایی منفعت‌طلب، عقلانیت سودمحور، مصرف‌گرایی و لذت‌جویی غریزه‌گرای مادی استوار است و امروز عواقب آن نه صرفا در عرصه اقتصادی و بازار ارز و سکه، بلکه در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز کاملا مشهود و غیرقابل کتمان است؛. راه‌حل اساسی تغییر پارادایم ذهنی سیاست‌گذاران اقتصادی است. اگر نقشه راه عوض نشود، تغییر مهره‌ها راه به جایی نخواهد برد، باید دولت و همه اجزا و ساختارها و سیاست‌هایش گردشی به سمت الگوی داخلی داشته باشند.

**گشایش در این تنگه است!**

****

بستن تنگه هرمز حق قانونی جمهوری اسلامی ایران است که در حقوق بین‌الملل به آن تصریح شده است. با توجه به مواد دو کنوانسیون ژنو و جامائيكا ، عبور كشتي‌هايي از تنگه هرمز مجاز خواهد بود كه براي «امنيت، نظم، آسايش و حقوق ملي» ايران «بي‌ضرر» تشخيص داده شود... اكنون بايد گفت؛ در صورتي كه صدور نفت ايران از سوي آمريكا و كشورهاي اروپايي تحريم شود، آيا عبور كشتي‌هاي حامل نفت براي كشورهاي ياد شده كه در حالت مورد‌اشاره، دشمن تلقي مي‌شوند «عبور بي‌ضرر»! خواهد بود؟ بديهي است كه پاسخ اين سؤال منفي است و ايران اسلامي حق دارد و مي‌تواند با جلوگيري از عبور اين كشتي‌ها مانع توانمندي دشمن در تهديد امنيت ملي خود شود. عبور كشتي‌هايي كه از مبدأ كشورهاي تحريم كننده به مقصد ساير كشورهاي خليج فارس، تسليحات نظامي حمل مي‌كنند نيز به طريق اولي و مطابق همان مواد از كنوانسيون‌هاي ژنو و جامائيكا، مخل و در تعارض با امنيت ملي كشورمان تلقي شده و بستن تنگه هرمز به روي اين كشتي‌ها حق مسلم و قانوني ايران اسلامي است.در صورت بستن تنگه هرمز، آمریکا و اروپا برخلاف آنچه ادعا می‌کنند توان مقابله با این اقدام قانونی و حرکت انقلابی ما را ندارند. آنها در اتاق شیشه‌ای نشسته‌اند و در منطقه گروگان ما هستند. یکی از رسانه‌ها نوشته بود در صورت بسته شدن تنگه هرمز، آمریکا می‌تواند بدون حضور در خلیج‌فارس و از اقیانوس هند با بهره‌گیری از موشک‌های دور‌برد به ایران حمله کند که باید گفت حتی اروپا هم در تیررس موشک‌های دور‌برد ما قرار دارد چه رسد به عربستان و بحرین و تل‌آویو و حیفا و‌...!

**این آمریکای دیگری است**

****

اینک بعد از سال‌ها، با روی‌کار‌آمدن دونالد ترامپ عیان شده آمریکا در پی تغییر مناسبات استراتژیک با جهان است. ترامپ در تلاش می‌كند استراتژی نویی را تعریف كند. به گفته مارك پمپئو: «رئیس‌‌جمهور سعی می‌كند نظم جهان لیبرال را از نو تنظیم كند، نه اینكه آن را برهم بزند. ترامپ می‌خواهد متحدان را وادار به اصلاحاتی كند كه دربردارنده منافع آمریكاست». ترامپ به‌خوبی می‌داند زمان برداشت از اتوریته آمریكا فرار رسیده است. اگر از اتوریته‌ای نتوان برداشت كرد كه دیگر اتوریته نیست؛ سگ پوشالی است. او می‌خواهد كاشت و داشت رؤسای جمهوری سابق را برداشت كند. ترامپ با این استراتژی نو، پوشالی‌بودن آمریكا را برملا خواهد كرد. شواهد نشان می‌دهد او بر این اتوریته باور دارد، از‌این‌رو رویكردش به دنیا فئودالی است و طبیعی است در این نوع نگاه، منافع حداكثری آمریكا را دنبال كند. همین نگاه است كه دنیا را تنش‌آلود كرده و وضعیت ایران نیز از این قاعده مستنثا نیست. از این منظر، وضعیت امور در ایران بحرانی نیست، وضعیت ایران مانند دیگر متحدان و دشمنان آمریكا تنش‌آلود است. دو ویژگی بارز بحران كه درهم تنیده شده، لاینحل و

غیرمنتظره‌بودن است. مشكلات دولت روحانی نه لاینحل و نه غیرمنتظره است. در ایران اغلب مناسبات دولت و ملت دچار تنش شده است. تنش نشانگر تضاد در منافع مشترك است. «استراتژی نو» ترامپ این تنش‌ها را افزایش داده است. رئیس‌جمهور آمریكا علنی به كشورهایی كه مناسباتی نزدیك، دوستانه و خصمانه با او دارند، اعلام جنگ تجاری داده است. جنگ تجاری با رویكردی فئودالی با تكیه بر اتوریته‌ای كه اگر وجود دارد همین حالا باید به كار بیاید. این اتوریته برخی كشورهای ضعیف را به تمكین واداشته و كشورهای قوی مانند چین را به مقابله‌به‌مثل برانگیخته است. دولت روحانی به‌سرعت باید جایگاه خود را در جهان نه با استعاره‌های قبلی كه با ایده‌های تازه تبیین كند. از این منظر، نزدیكی سیاسی و نه اقتصادی ایران به اروپا قابل‌ فهم است. معلوم نیست در این رویكرد فئودالی، اروپا تا چه میزان به حیثیت سیاسی خود پایبند و وفادار خواهد ماند. تجلی كنونی حفظ این حیثیت، حمایت از برجام است؛ اما وضعیت کنونی جهان چندان هم به ضرر ایران نیست. این اعلام جنگ تجاری با دنیا خاصه اروپا این فرصت را به کشورها می‌دهد که دنبال متحدان تازه بگردند. تصویرهای واقعی از وضعیت امور، ما را به استراتژی‌های قابل ‌قبول هدایت خواهد کرد. بزرگ‌ترین خطر در تصمیم‌گیری این دوران، تغییر وضعیت‌های استراتژیک به ایدئولوژیک است.

**بازار نفت اوپك از سكه مي‌افتد؟**

****

اوپك در گزارش ماهانه خود نخستين پيش‌بيني سال ۲۰۱۹ را ارايه و اعلام كرد كه جهان در سال آينده متقاضي ٣٢,١٧ ميليون بشكه در روز نفت اوپك خواهد شد كه ۷۶۰ هزار بشكه در روز كمتر از سال ميلادي جاري است. كاهش تقاضا براي نفت اوپك به معناي آن است كه فشار كمتري روي توليدكنندگاني مانند عربستان سعودي براي جبران كاهش توليد كشورهايي مانند ونزوئلا و ليبي و كاهش احتمالي صادرات ايران به دليل تحريم‌هاي امريكا وجود خواهد داشت. اوپك در اين گزارش اعلام كرد انتظار مي‌رود توسعه بازار نفت در سال ۲۰۱۹ اندكي ملايم‌تر شود و اقتصاد جهان و تقاضاي جهاني براي نفت كمتر از آنچه پيش‌بيني شده بود رشد خواهد كرد. طبق آمار منابع ثانويه، توليد نفت اوپك در ژوئن ۱۷۳ هزار بشكه در روز نسبت به ماه پيش از آن افزايش يافت و به ٣٢.٣٣ ميليون بشكه در روز رسيد كه به دليل توليد بالاتر عربستان سعودي بود. بر مبناي محاسبات رويترز، اين آمار به معناي آن است كه سطح پايبندي اوپك به توافق كاهش توليد به ۱۳۰ درصد كاهش يافته است. بالا رفتن قيمت‌هاي نفت كه به دنبال اجراي توافق كاهش توليد اوپك روي داد، باعث رشد عرضه رقيب و جهش توليد نفت شيل امريكا شد. اوپك انتظار دارد عرضه غيراوپك در سال ميلادي آينده ٢.١ ميليون بشكه در روز رشد كند كه بالاتر از رشد پيش‌بيني شده براي تقاضاي جهاني خواهد بود. رشد عرضه در سال آينده عمدتا توسط امريكا، برزيل و كانادا هدايت مي‌شود اما اوپك بر اين باور است كه رشد عرضه شيل امريكا در نيمه دوم سال ۲۰۱۸ و در سال ۲۰۱۹ به دليل محدوديت‌هاي زيرساختي، آهسته خواهد شد.

**ترس سنا ازبی ترمزی تعرفه ای ترامپ**

****

با شعله ور تر شدن آتش بزرگ ترین جنگ تجاری تاریخ، سنای آمریکا در تلاش است قدرت رئیس جمهوری این کشور را برای افزایش تعرفه های تجاری علیه شرکای آمریکا محدود سازد. در مصوبه دو حزبی سنا که با 88 رای از مجموع 100 رای حاصل شد، افزایش هرگونه تعرفه تجاری بر واردات کالا و خدمات به کسب تاییدیه کنگره مشروط می شود. با این حال سناتورها امیدوارهستند این مصوبه گام نخست را برای مهار قدرت رئیس جمهوری آمریکا در راه انداختن جنگ های پرهزینه و ویرانگر تجاری بردارد.در ماه های اخیر که دولت «دونالد ترامپ» بر برخی از کالاهای وارداتی تعرفه های سنگین وضع کرده است، فعالان سیاسی - اقتصادی و نهادهای تجاری درداخل و خارج از آمریکا درباره پیامدهای این تصمیمات بارها هشدارداده اند. برآوردها حکایت از آن دارد که در جنگ تجاری کنونی فرصت های شغلی حداقل شش میلیون کارگر آمریکایی که مشاغل شان به ادامه واردات ارزان قیمت وابسته است، به خطر خواهد افتاد. این درحالی است که با افزایش تعرفه ها، قیمت کالاهای وارداتی و ساخته شده در داخل آمریکا افزایش می یابد و طبقه متوسط و آسیب پذیر جامعه بیش از پیش تحت فشار قرارمی گیرند. علاوه برآن، تهدید شرکای تجاری آمریکا به اقدامات تلافی جویانه، بازارهای وسیع صادراتی آمریکا را تحت تاثیر قرار می دهد و به کارگران فعال در بخش های صادراتی لطمه وارد می کند. «.بی تفاوتی ملی گرایان اقتصادی به نمایندگی «دونالد ترامپ»، رئیس جمهوری آمریکا به چنین هشدارهایی سرانجام موجب شد تا کنگره تحت کنترل جمهوری خواهان با کمک دموکرات ها دست به کار شوند تا جلوی شعله ورتر شدن بزرگ ترین جنگ تجاری جهان را بگیرند.«

**نگاه به شرق بر مبنای تهدید و منافع مشترک**

****

خروج امریکا از برجام، منطق و وجاهت گفت‌وگو برای حل مشکلات جهانی و منطقه‌ای را زیر سؤال برده و رویکرد مجبورسازی از طریق اهرم‌های گوناگون در قبال دیگر بازیگران سیاسی، فصل مشترک یک احساس و ارزیابی از امریکا در بین بسیاری از کشورهاست. سفر دکتر ولایتی به مسکو که پیام راهبردی مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور ایران را در دست داشت، به دلیل پایه‌های محکم یک همگرایی و همکاری که زمینه‌های عملی خود را در سوریه، عراق و عرصه‌های جهانی و بحث هسته‌ای ثبت کرده، قادر است پایه‌گذار مرحله‌ای جدید از همگرایی‌های موازنه‌ساز و کارآمد باشد و با استقبال مقامات کرملین روبه‌رو شده است. این عرصه‌های همکاری از سال‌ها قبل نیز در دیدار پوتین و رهبری معظم انقلاب مرور شده و دستور کار‌هایی نیز داشته، ولی غربزده‌های تابلودار به جای منافع ملی، از اتوپیای غربی دفاع کرده و در مسیر اجرای همگرایی مؤثر در نگاه به شرق کارشکنی کرده‌اند. جالب این است که همین جماعت در ۳۵ سال قبل با اندیشه‌های رسوب شده اتحاد جماهیر شوروی عمل می‌کردند و امروز نگاه به شرق را تحمل نکرده، ولی تسلیم در

قبال غرب را توجیه می‌کنند. حاصل سفر راهبردی دکتر ولایتی و توافقات دوجانبه اقتصادی، انرژی، تکنولوژیک، هسته‌ای، نظامی و منطقه‌ای و بین‌المللی که باید با یک دیپلماسی فعال و هدفمند به نتیجه اجرایی مبدل شود، در گام تکمیلی با چین و قطب‌های اقتصادی و سیاسی در جهان می‌تواند ضمن تأمین منافع مشترک و بازدارندگی در قبال تهدیدات، برنامه ترامپ را با شکست قطعی روبه‌رو کرده، در نظم جدید منطقه‌ای و جهانی نیز نقش‌آفرینی کند.

